

## با تفسیرها و بی‌تفسیرها- شماره ۳

### اخبار

دکتر امینی به اروپا رفته است. ظاهرا از اینجهت رفته است که وامی یا وامهایی تحصیل کند. اما در باطن برای این رفته است که بمنابع موثر و صاحب نفوذ توضیحاتی درباره نقشه‌های خود بدهد و از آنها رفع شبهه کند و تعهداتی را بنام مردم ایران بگردن بگیرد با علم به موقعیت و شهرت و مقام خود را ارضاء نماید. روزنامه‌ها گوشه‌ای از این پرده را بالا میزنند و دم خروس را نشان میدهند. اگر بخاطر داشته باشیم دانشجویان ایرانی در آمریکا با رابرت کندی وزیر دادگستری آمریکا ملاقات میکنند و از او میخواهند بعنوان اعتراض به رجاله بازیهای دولتها در دانشگاه به تهران مسافرت نکند و یا اگر مسافرت میکند از دانشگاه تهران نیز بازدید کند. باین دلیل مسئله مسافرت رابرت کندی به تهران منتفی میگردد. اما روزنامه کیهان در شماره مورخه دوشنبه ۷ اسفند خبر میدهد که فرمانفرمائیان عضو هیئات نمایندگی امینی در بن با رابرت کندی مذاکره کرده است. نحوه خبر طوریکه که نشان میدهد قرار بوده است امینی و رابرت کندی در برلین ملاقات و مذاکره نمایند. و لابد از اینگونه ملاقاتها و مذاکرات نیز با سایرین بعمل خواهد آمد و بخاطر همین است که جبهه ملی اعلامیه داده و اصول ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ قانون اساسی را یادآوری کرده.

اما با اینکه امینی در اروپا مشغول ساخت و پاخت است و مسئله اصلاحات فعلا جای محاکمات بزرگ را گرفته است مسئله دانشگاه هنوز هم مسئله روز است دولت جرات بازکردن دانشگاه را ندارد زیرا میدانند از عهده دانشگاه برنمی‌آید و از آن میترسد که باز حادثه ای از قبیل حادثه اول بهمین رخ بدهد و اثرات آن طومار هستی‌اش را در هم نوردد. اما دانشجویان بیکار نیستند. مبارزه را هم چنان ادامه میدهند آنها سنگر اول را در دست دارند. نه تنها در تهران بقرار معلوم در پاکستان نیز دانشگاه بپا خواسته است. حکومت‌های دموکراسی بدون انتخابات و مجلس من درآوردی استعمار که از دموکراسی فقط اسمی را دارند مورد قبول مردم نیست. آنها میخواهند انتخابات و مجلس باشد و قانون بر همه حکومت کند. اما حالا دموکراسی غربی تحفه‌های جدیدی برای ما سوقات آورده است. منشور شاه مشروطه بدون پارلمان و حکومت مصلح نظامی (مثل اینکه واقعا نظامی مصلح آنهم در شرق میتواند بوجود آید). و خنده‌آور اینجاست که این کار را برای نجات ما از خطر کمونیسم میکنند. مثل اینکه کمونیسم غیر از اینها چیز دیگری بما خواهد داد. وقتی مردم از حق اظهار نظر و نوشتن و زیستن و انتخابات آزاد محروم باشند. آیا برای آنها فرقی میکند که منبع این سلب آزادی کجاست؟ بهر حال دانشجویان بیکار نیستند روزنامه پیام دانشجو در شماره ۵ اسفند خود مینویسد «دیکتاتورها سرانجام دانشگاه بدون قید و شرط باز خواهد شد و رسوایی بر شما خواهد ماند» و بعد ضمن شرح هجوم نفرت بار روز اول بهمین شجاعت رئیس و اعضا شورای دانشگاه را ستوده و اقدامات آنان را تحسین کرده است.

یادتان هست که درخشش وزیر فرهنگ که زمانی از دارودسته زاهدی خائن بود و بعدا با امینی ساخت و اعتصاب معلمین را براه انداخت و در این میان (البته و صد البته کاملا اتفاقی) دکتر خانعلی کشته شد و شریف امامی رفت و امینی بالاخره آمد، و او هم بالاخره وزیر فرهنگ شد. بله اینها یادمان هست و باز بخاطر داریم که ایشان در هفته اول تشکیل کابینه هنوز وزیر نشده بودند و اصرار داشتند که اول باید قاتل دکتر خانعلی معلوم شود خوب حالا این خبر را هم از سرمقاله روزنامه پیام دانشجویان استخراج میکنیم (اگر راست میگوید یعنی امینی اگر راست میگوید) و نمیخواهد موضوع را مثل قتل دکتر خانعلی که قاتل در دولت او بجای محاکمه و مجازات درجه هم گرفت. . . .) دیگر بس است پس قاتل درجه هم گرفته است. چشم جناب وزیر پرتدبیر فرهنگ و

هوادارانشان روشن. این اضافه حقوق‌ها چه جور از گلویشان پایین می‌رود. دکتر خانعلی شهید میشود تا امینی نخست وزیر و درخشش وزیر فرهنگ شوند و معلمین اضافه حقوق و قاتل درجه بگیرند. جل‌الخالق؟؟ و آنوقت این بندگان خدا هیچکدامشان بسودای صدارت و وزارت نیامده‌اند. فقط آمده‌اند به ولی نعمان خود خدمت کنند. قاتل دکتر خانعلی یکی از ولی نعمان است.

کمیته دانشجویان دانشگاه وابسته به جبهه ملی در اعلامیه‌ای از پدران و مادران خواسته است که به هتک حرمت دانشگاه و به کشتار دانشجویان و به تخریب دانشگاه و به قانون شکنیها وووو اعتراض کند. و به آنان میگوید که (فرزندان شما، ما و شما را به دفاع خود فرا میخوانند و نگران قیام و اقدام شما هستند) سازمان دانشجویان حزب پان ایرانیست اعلامیه داده است و مدعی است که (تشکیل سازمان رسمی دانشجویان یگانه راه حل مشکلات امروز و فردای دانشگاه است) و از همه دانشجویان دعوت کرده است که در این راه اقدام جدی کنند.

اما باختر امروز ارگان جبهه ملی ایرانیان مقیم خارجه در شماره ۲۲ مجبور شده است به خاطر کثرت اخبار و عکسهای تظاهرات دانشجویان مقیم خارج ۲ صفحه بیشتر منتشر کند. شعر زیبایی از بابک دارد که بخاطر کلهر دانش‌آموز شهید دبیرستان علمیه سروده شده است.

پیش چشم باز شهر پیر

غنچه‌ای شکفته پرپر شد

اختری از اختران افسرد

بار دیگر شعله‌ای پژمرد

یک ستاره سوخت

یک شراره مرد

یک جوان در خون خود غلطید

و آنوقت میگوید

دشمن از این خون نخواهی رست

زین جنایتهای نخواهی جست

از دل هر قطره خون او

خون صدها مرد میجوشد. ....

شیردل یاران دانشگاه

یک صدا در راه و در سردار

### متحد در سنگر پیکار

و بعد نطق آقای دکتر شایگان را که در بهمن ۱۳۴۰ در واشنگتن ایراد کرده‌اند چاپ کرده است دکتر شایگان پس از اظهار تایید از حادثه اول بهمن و شرح ماجرا صاف و صریح علت اصلی آن حادثه و حوادث نظیر آنرا فاش میکند.

نسبت جهل به آنها (طبقه حاکمه) عنوان بدگویی ندارد. واقعا جاهل و از وضع زمان غافلند و نمیدانند که دیگر دنیا به حکومت مطلقه فردی بر نمیگردد و هیچ ملتی بهوی و هوس یک نفر تن در نمیدهد و در قرن بیستم با روش مندرس عهد خاقان مغفور نمیتوان مملکت را اداره کرد. مضحک اینست که هر عملی بر ضد ظلم و جور و

فساد و دزدی میشود آنرا معلول علتی سوای دستگاه حکومت جلوه میدهند به این ترتیب هم معتقدند آنها که به کمک اجانب ملتی را اسیر کرده و به زنجیر کشیده‌اند آنها که از راه غصب اموال مردم و دزدی علنی و خیانت به مملکت ملتی را فقیر و مستاصل نموده‌اند آنها که . . . . . مسوول نیستند.

آری دانشجویان دانشگاه یعنی نخبه مردم ایران . . . مسوولند زیرا نمیخواهند با سکوت خود بفرمان ختم مشروطیت امضاء بگذارند. . . . . آنها مسوولند زیرا میفهمند و میدانند که بر خلاف عقل سلیم و بر خلاف امروز و وضع دنیا نمیتوان رای سخیف و عقل ناقص یک تن را جانشین رای و عقل و هوش و فهم بیست میلیون مردم و صدها هزار نفر اشخاص تحصیل کرده کرد. . . دست حق عنقریب از آستین ملت ایران بدر خواهد آمد و عمر نحس دستگاه ظلم و جور و فساد بسر خواهد رسید. بامید آئروز»

اما باختر امروز عکس‌های زیبایی از تظاهرات دانشجویان در لندن و در آلمان و در اطریش و آمریکا و ترکیه دارد که همه جا شعارهای آزادیخواهانه را با خود میبرند و عکسهای بزرگ پیشوای بزرگ ملت دکتر مصدق را به دوش میکشند.

انوربارتو روزنامه نگار ترک هم در روزنامه حریت قطعه دارد:

سلام بتو ای دوست ایرانی من درود به چثه ظریف و جوان و گل مانند تو که در راه آزادی مشبک شد

درود به آرزوهای تو سلام و افتخار به خانواده داغدیده تو

اما سایر اخبار هم دلالت بر این دارد که دانشجویان مقیم خارج بخاطر اینکه نسبتاً آزادی عمل بیشتری دارند در هر جا و بهر وسیله که دانسته اند صدای اعتراض ملت ایران را پخش کرده‌اند و پرده از روی دژخیمان دولتی و اعمال و نیات شرم‌آور آنها برداشته‌اند. دانشجویان سایر ملل نیز در اغلب نقاط بعنوان همدردی در تظاهرات ایرانیان شرکت داشته‌اند و از اعمال اوباش دولتی که به دانشگاه هجوم برده‌اند ابراز نفرت نموده‌اند.

اینها نشان میدهد که ما تنها نیستیم تب آزادی و آزادیخواهی همه جاست. در قرن اتم بشریت میخواهد برای همیشه مسئله آزادی و حقوق فردی و حکومت قانون و نسخ دیکتاتوری و طرد اوباشان و رجاله‌ها را حل کند. دانشگاهیان در همه جا سنگرهای اول را در این مبارزه اشغال کرده‌اند. در عدن دختران دانش‌آموز دست به تظاهرات زدند.

عدن. دیروز در عدن دختران دانش‌آموز بار دیگر در خیابانها تظاهر کردند و کوشیدند بعضی از پسران دانش‌آموزی را که اعتصاب را شکسته و به کلاسها بازگشته بودند از مدارس خارج کنند. نیمی از هزار تن پسر دانش‌آموز دیروز دوباره بسر کلاسها رفتند ولی بقیه در تظاهرات دختران شرکت داشتند.

کندی برای تقویت بنیه اقتصادی آمریکا تقاضای اختیار کرد

واشنگتن. یونایتدپرس. پرزیدنت کندی دیشب از کنگره درخواست کرد تا به او اختیار بدهد در صورت بروز کسادى بتواند برای تقویت اقتصادیات آمریکا مبلغی در حدود دو میلیارد دلار خرج کند. پرزیدنت کندی از این اختیارات هنگامی میتواند استفاده کند که در سه ماه متوالی از چهار ماه درجه بیکاری یک درصد افزایش یابد.

کیهان سه‌شنبه ۲۰ فوریه ۱۹۶۲ شماره ۵۵۸۹

## تعطیل دانشگاه

برای چندمین بار دانشگاه تهران تعطیل شد یکبار بعد از پانزده بهمن و یکبار در دوران زاهدی پس از تظاهرات ۱۶ آذر دانشگاه را بستند در زمان حکومت شریف امامی نیز پس از تظاهرات علیه انتخابات درهای دانشگاه را بستند و اینک در زمان حکومت انقلابی امینی نیز برای چندمین بار دانشگاه تعطیل میشود و مسعودی معروف هم مینویسد که دولت برای دانشگاه مقررات جدیدی وضع میکند.

چرا دولت دانشگاه را مینبندد؟ و چرا مقررات جدیدی وضع میکند؟ برای اینکه از دانشجویان این فرزندان آگاه و بیدار و مبارز ملت میترسد در قیام اول بهمن دانشجویان چه میگفتند و چه میگویند؟ میگویند هشت ماه است مجلس را تعطیل کرده‌اید و اساس مشروطیت را برانداخته‌اید باید مجلس را که مظهر اراده ملت است باز کنید. . . .

میگویند که خانه ما نباید در اشغال نظامیان شاه باشد. . . . .

میگویند باید بگذارند ما آزادانه بکار درس و بحث خود سرگرم باشیم. . . . .

میگویند ما جزیی از اجزای ملت ایرانیم و نمی‌خواهیم ملت ما را در بند و زنجیر نگاه دارید. .

میگویند اراده شاه نباید جانشین قانون شود. . . . .

میگویند بگذارید مردم آزاد باشند و حکومت دلخواه خود را برگزینند. اینها و نظایر این خواستهای بحق و درست حرفهای دانشجویان است. . . . . آیا باید بخاطر بیان این حقایق و تلاش در راه تحقق آن که آمال ملتی است بر سروسینه دانشجویان گلوله بارید؟ آیا دانشجویان بخاطر ابراز این عقاید راست و صحیح مقصر هستند؟ نه مقصر دولتی است که به تظاهرات مسالمت آمیز جوانان دانشجو را به خون میکشد. مقصر دولتی است که به قانون و شرف پشت‌پا میزند و تنها در اندیشه حفظ منافع بیگانگان است.

منطق چنین دولتی درباره نام‌نویسی مجدد دانشجویان این است که از ورود دانشجویان مزاحم به دانشگاه جلوگیری کند. همه کس معنی این قانون جدید و این بازی تازه را می‌فهمد.

دانشجویان مزاحم عنوان بی‌دروازه‌ایست که فقط و فقط مانند شمشیر داموکلس بالای سر دانشجویان قرار خواهد گرفت و حق کوچکترین اظهار نظری را از آنان سلب خواهد کرد.

حکومت می‌خواهد در حقیقت مبارزترین و آگاه‌ترین دانشجویان را از ادامه تحصیل محروم کند و آنها را از ورود به دانشگاه باز دارد حکومت شاه و امینی دشمن بیداری و آگاهی ملت ماست و در هر مورد این دشمنی را آشکارتر می‌سازد.

دانشگاه باید بدون قید و شرط باز شود و جوانان دانشجو و دانش‌پژوه امکان تحصیل در محیطی آزاد بیابند. این خواست دانشجویان و ملت ایران است.

از روزنامه باختر امروز. شماره ۲۲ مورخ ۱۵/بهمن/۱۳۴۰

شایعه

میگویند که:

سپهبد بختیار پس از خروج از ایران طی مصاحبه‌ای همکاران خود را که قرار بوده در کابینه او شرکت داشته باشند به این ترتیب معرفی کرده است:

عبدالله انتظام

وزیر امور خارجه

سپهبد آریانا

وزی رکشور

سپهبد یزدان پناه

وزی جنگ

وزیر صنایع و معادن	مهندس اصفی‌ا
وزیر راه	مهندس طالقانی
وزیر پست و تلگراف	مشری
عمران	تفضلی
وزیر کار	شاهپور بختیار
نفت	دکتر فلاح
وزیر کشاورزی	احمد حسین عدل
اصلاحات ارضی	دکتر خنجی
وزیر دادگستری	دکتر شاهکار
امور مالی آنها	سرلشگر ضرغام
خزانه	مهندس انصاری
وزیر اقتصاد	باقر شریعت
تبلیغات	صادق بهداد
وزیر فرهنگ	دکتر صناعی
تعلیمات	دکتر کریم فاطمی
رئیس سازمان امنیت و اطلاعات	سپهبد علوی کی‌ا
مشاور سازمان برنامه	احمد آرامش
مشاور امور استخدامی	احمد طباطبایی
وزیر بهداشت	دکتر لقمان ادهم
بهداشت	جمشید آموزگار
معاون سیاسی و پارلمانی	دکتر تاجبخش

## اخبار

از یک نامه:

مصدق پیروز است. دیکتاتور محکوم است. این فریادی بود که بیش از ۲۰۰ تن دانشجوی ایرانی در بعدازظهر روز پنجشنبه در مقابل سفارت ایران در «وین» در خیابان میکشیدند. گروه عظیمی پلیس (بدعوت سفیر کبیر ایران) با زور دانشجویان را متفرق میکنند (عکس پایین ضمیمه) و در عکس بالا یکی از دانشجویان مجروح که روی دست سایر دوستانش حمل میشود دیده میشود. (۱) نامه‌ای از آمریکا:

همانروز یکشنبه رادیوها خبر تظاهرات دانشگاه تهران را دادند و بلافاصله در همان روز که مصادف با تعطیل بود در حدود ۹۰ نفر از دانشجویان در مقابل عمارت سازمان ملل به تظاهرات پرداختند و همان شب در برنامه ۱۱ شب و ۷ صبح فردا در تلویزیون ضمن انتشار اخبار مربوط به تهران و نشان دادن عکس‌هایی از دکتر مصدق و بعد شاه و دکتر امینی جریان را تشریح کرد و پس از نشان دادن عکسهایی از جریان زدو خورد و حمله پلیس گفت که اینها طرفداران مصدق هستند و بعد هم فیلم دمونستراسیون دانشجویان را در مقابل سازمان ملل

نمایش داد. روز دوشنبه عده زیادی به کنسولگری ایران در واشنگتن رفتند و قطعنامه‌ای دائر بر آزادی دکتر مصدق و زندانیان اخیر، استعفای امینی و شروع انتخابات توسط کنسول به تهران مخابره کردند.

روز چهارشنبه نیز در حدود صد نفر در برابر سفارت ایران اجتماع میکنند با اینکه در بسته بود دانشجویان بداخل سفارت راه پیدا میکنند. تمام افراد سفارت فرار میکنند. در این موقع در حدود ۵۰ پلیس اطراف سفارت را محاصره میکنند. عکس بزرگی از مصدق در داخل سفارت نصب میشود و خبرنگاران شروع به فیلم برداری میکنند. اردشیر زاهدی از ترس در خانه‌اش مخفی شده و از پلیس استمداد میطلبد. صدای زنده باد مصدق؛ دست شاه از دخالت در امور کوتاه؛ پیروز باد دانشگاه تهران؛ سفارت را بلرزه در می‌آورد و در ساعت شش بعدازظهر به دستور پلیس دانشجویان بدون مقابله با پلیس از سفارت خارج میشوند. اکنون سفارت ایران به وسیله تعداد زیادی پلیس محاصره شده و تحت مراقبت شدید است و واردین را بازجویی میکنند.

روز پنجشنبه هم دانشجویان به عنوان اعتراض در جلوی وزارت دادگستری آمریکا اجتماع کردند و تقاضای ملاقات با رابرت کندی را داشتند و عده‌ای باطاق رابرت کندی رفتند و صحبت‌های زیادی شد و نتیجه این شد که روزنامه‌ها خبر دادند که برنامه مسافرت رابرت کندی به ایران لغو شده است.

از آلمان: ترجمه از روزنامه‌های آلمان غربی

در شهرهای مختلف آلمان تظاهرات و دمنستراسیونهای زیادی بر علیه اعمال خلاف قانون دولت و به پشتیبانی از دانشجویان ایرانی انجام شد. تنها در شهر کوچک برانشویک ۳۰۰ نفر از دانشجویان در هوای بارانی و خراب به دمنستراسیون پرداختند و این میتینگ بر علیه فشارهای دولت ایران بر دانشجویان ایرانی بود. از شهرهای هانور، هامبورگ، کلوستال نیز دانشجویان در این تظاهرات شرکت کرده بودند.

دانشجویان ایرانی علیه عملیات دیکتاتوری دولت ایران دمنستراسیون دادند.

ما به مبارزه ملی و مقدس دانشجویان در تهران بر ضد عملیات دیکتاتوری درود میفرستیم و آنرا از صمیم قلب میستائیم. ما همدردی خود را نسبت به برادران دانشجوی خود ابراز میداریم.

این جملات از قطعنامه دانشجویان ایرانی که در میدان «لورک» خوانده شد به چشم میخورد. بیش از ۳۰۰ نفر از دانشجویان در این دمنستراسیون شرکت داشتند که از شهرهای مختلف آمده بودند و حتی دانشجویان عرب، هندی، اندونزی، یونانی و آلمانی نیز شرکت کرده بودند و پشتیبانی خود را از دانشجویان ایرانی ابراز داشتند.

در پلاکاردهای مختلف که در دست داشتند این شعارها به چشم میخورد. ما خواهان آزادی فوری دوستان دانشجوی خود در تهران هستیم. ما پشتیبانی خود را نسبت به خواسته‌ها و تظاهرات دانشجویان در تهران ابراز میداریم. دانشجویان خواستار انجام انتخابات آزاد و تکذیب دعاوی دولت مبنی بر اینکه دانشجویان بستگی به سیاستهای خارجی داشته و مخالف اصلاحات ارضی هستند بودند.

اکنون ۵۰۰۰ دانشجوی ایرانی در آلمان غربی خود را آماده برای تظاهرات دامنه‌داری به پشتیبانی خواهران و برادران دانشجوی خود در ایران مینمایند. تا توجه جهان را به فشارها و تضییقاتی که در ایران وجود دارد جلب نمایند. در برانشویک دمنستراسیون با راهنمایی تعداد کمی پلیس انجام شد و نمونه کاملی از نظم و انضباط دانشجویان بود.

خبرنگاران محلی و خبرنگاران آلمان غربی با دانشجویان مصاحبه کردند و همان شب جریان به طرز مفصل از رادیو و تلویزیون پخش شد.

روزنامه باختر امروز شماره ۱۹ پنجشنبه ۳۰/آذر

### نامه یک افسر ارتش:

بیست سال است که در ارتش با صداقت خدمت کرده و دارای تحصیلات عالی در کشورهای اروپا و آمریکا هستم ولی شرم دارم خود را عضو سازمانی بدانم که برای فرمانروایی بر عده‌ای لخت و گرسنه دستها را به خون بیگناهان آلوده و دسته دسته میهن پرستان را به دیار عدم فرستاده و زندان‌های ایران را مملو از کارگران، دهقانان، روشنفکران، کارمندان، نمایندگان مجلس و حتی نخست‌وزیری که بر قلبها حکومت میکرد پر ساخته است. استادان شریف دانشگاه را مورد کینه‌توزی قرار داده و در محیط علم و ادب سبعمانه خون دانشجویان بیگناه را میریزد. من خجالت میکشتم خود را همقطار جانیانی همچون آزموده‌ها و بختیارها بدانم که با دستگاههای شکنجه قرون وسطایی به جان آزاد مردان افتاده و جوانان نارس و مردان کهنسال را با دستبندهای قپانی با آویزان کردن وزنه به بیضه، با تنقیه آب جوش، با بیخواب نگاهداشتن با چوب و فلک و تخته شلاق و اعمال غیر انسانی در شکنجه‌گاههای تیپ یک، قزل‌قلعه، باغ مهران و تبعیدگاههای جنوب از بین میبرند. ....

ملت عزیز ایران من با کمال شرمساری اعتراف میکنم سازمانی که عضو آن هستم تا امروز نه تنها حافظ منافع منعم خود و نوامیس ملی نبوده بلکه در کوبیدن جنبش‌های بسیار بزرگ میهنی نقش بسیار بزرگی را بازی کرده است و هیأت حاکمه فاسد فقط بزور سرنیزه و گلوله‌های جانگداز همقطاران من در روی جسد نیمه جان ملت به رقص میپردازد.

کودتای ننگین ۲۸ مرداد صحنه سیاهی در تاریخ ارتش ایران باقی گذاشت و با برگرداندن (وضع سابق) که با دلارهای آمریکایی و اوباش و چاقوکشان درباری و ارتش صورت گرفت ضررهای غیرقابل جبرانی را دربرداشت.